

فاطمه زهراء (س)

مفسر

آیت

الهی

دکتر فرشته ندری ابدانه
استادیار دانشگاه بو علی سینا،
مأمور در دانشگاه مذاهب اسلامی

چکیده

یکی از مهم ترین راه های تربیت و تعلیم عملی، تبعیت و الگوپذیری است؛ خداوند متعال، انبیاء الهی را برای تعلیم و تربیت، تزکیه و تعالی ارسال داشته و ایشان را الگوهای عملی انسان قرار داده است.

از این میان معصومین (ع) و فاطمه زهراء (س) که کوثر و مبارکه و منصوره است، هر چند عمر بسیار کوتاهی داشت (همچون کوثر که کوتاه ترین سوره قرآن است) اما تجلی خیر کثیر، برکت، نصر و پویایی است. حضرت زهرا (س) نه تنها الگوی زنان که اسوه همه نیکان و پاکان تاریخ است. خداشناسی در منظر فاطمی و بیان ملاک های سعادت بشری نقطه نظر خاص مقاله حاضر است. ایشان از چند شاخصه یاد می کنند که عبارت است از:

تحمل دین و امانت الهی، تدین به دین خاتم و ایمان به کتاب صامت و ولی ناطق، شناخت قرآن، عمل به احکام دینی و تبیین علل احکام الهی.

احکامی که به بررسی آنها پرداخته شده عبارت است از: نماز، روزه، حج، عدل، اطاعت از اولی الامر، جهاد، صبر، امر به معروف، نیکی به والدین، صلۀ رحم، قصاص، وفای به نذر، تمام کردن کیل و وزن، نهی از شرب خمر، اجتناب

از قذف، ترک سرقت و ترک شرک .
کلیدواژه‌ها: اسوه حسنه، قرآن، خدا شناسی، فلسفه احکام

مقدمه

نیاز انسان به الگو و اسوه در تربیت

یکی از مهم ترین راه های تربیت و تعلیم عملی، تبعیت و الگو پذیری است. توجه به انسان و رفتارهای او این واقعیت را نشان می دهد که آدمی، بیش از آموزش های مستقیم تحت تاثیر عملکردها و واکنش های رفتاری افراد جامعه قرار می گیرد.

کودک از نوع رفتار والدینش می آموزد که چگونه بخورد، بخوابد، سخن بگوید، لباس بپوشد و بادیگران رابطه برقرار سازد دانش آموز بیش از آنکه توجه کند که معلمش چه می گوید دقت می کند تا بداند معلمش چگونه رفتار می کند و آنگاه که تطابق کامل میان علم و عمل را دریابد چنان می کند که معلمش می خواهد.

از این رو یکی از نیازهای فطری بشر توجه به الگوهای عملی رفتار است. در میان همه جوامع و ملل، معرفی الگوهای نمونه و مناسب برای تربیت جامعه به سمت اهداف مورد نظر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. خداوند متعال، انبیاء الهی را برای تعلیم و تربیت، تزکیه و تعالی ارسال داشته و ایشان را الگوهای عملی انسان قرار داده است. چنانچه می فرماید:

لقد کان لکم فی رسول اللّٰه أسوة حسنة (احزاب، ۲۱/۳۳)

در این آیه رسول خدا به عنوان بهترین الگو معرفی می شود که مسلمانان با تبعیت از ایشان خود الگویی برای امتهای دیگر در راه رسیدن به فلاح و رستگاری می شوند که فرمود:

کنتم خیر امة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون باللّه...

(آل عمران، ۱۱۰/۳)

حضرت ابراهیم(ع) به عنوان الگو نمونه در امر توحید معرفی شده است:

قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه إذ قالوا لقومهم إنا براء وامنکم و مما تعبدون من دون اللّه کفرنا بکم وبادا بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدأ حتی تؤمنوا باللّه و حده.... (متحنه، ۴/۶۰)

با این بیان ابراهیم(ع) و همراهان او برای دیگران در امر استقامت بر توحید الگو و نمونه هستند. زیرا از کسانی که عبادت جز خدا کنند براءت جسته اند و بین ایشان و کافران عداوت و دشمنی ابدی برقرار شده است، مگر آنکه به توحید گرایند.

این تبعیت و پیروی، نوعی تقلید سازنده و بر اساس تفکر است. این پیروی پس از پذیرش اصل رسالت پیامبران و براساس تبعیت جاهل از عالم می باشد که مقبول نزد عقلای عالم است، بر خلاف تقلید مخرب که مذبوم و مطرود است، تقلیدی که مانع از اندیشه و تفکر بوده و بدین ترتیب موجبات تباهی فرد و جامعه را فراهم می آورد.

از این رو قرآن تبعیت از هوی و هوس، پیروی از فرمان انسان متکبر و جبار و تبعیت جاهلانه از پدران و کیش آنها، و تبعیت از آنها که خود را نشناخته اند را مذبوم می شمرد و می فرماید:

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق قل الله يهدى للحق أفمن يهدى إلى الحق أحق أن يتبع أمن لا يهدى إلا أن يهدى فما لكم كيف تحكمون. (یونس، ۱۰/۳۵)

تنها خداست که هدایتگر به جانب حق است زیرا آنکس که هدایت به حق شده است شایسته تر بر تبعیت است تا آنکه خود هدایت نیافته است.

با در نظر داشتن آیات دیگر، الگوهایی چون ابراهیم(ع) و پیروان او، و رسول خدا(ص) به انسانها معرفی شده اند تا راه کمال و هدایت را طی نمایند زیرا این نمونه های عالی دچار لغزش نشده و در نتیجه لغزش تابعین را به دنبال ندارند.

نتیجه سخن آنکه باید از کسانی تبعیت کرد و آنها را الگو و راهنمای خود قرار دهیم که خود، راه شناخته و طی طریق کرده اند و الا به بیراهه رفته و گمراه می گردیم.

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی انسان های کامل برای سایر انسان ها اعم از زن و مرد الگو هستند، چنانچه قرآن کریم می فرماید:

و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأت فرعون إذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین. و مریم ابنت عمران التي أحصنت فرجها فنفخنا فیہ من روحنا و صدقت بکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین. (تحریم، ۱۱/۶۶-۱۲)

در این آیات، همسر فرعون و مریم مادر عیسی(ع) به عنوان الگوی تمام مومنین

معرفی می شوند. همسر فرعون به جهت آنکه به خداوند روی آورده و نجاتش را از دست فرعون و قوم ظالمین از خدا درخواست می کند و بهشت را به جای نعمتهای دنیوی طلب می نماید. این نشانه ای است از مقام یقین آسبیه به آخرت و گزینش آن بر دنیا که: و الاخرة خیر و ابقى. (اعلی، ۱۷/۸۷)

حضرت مریم (س) به جهت پاکی و ایمان و تصدیقش به کلمات و کتب الهی و قانت و تسلیم خدا بودنش به عنوان الگوی تمام مومنین معرفی می شوند. این مثال ها تا زمان ظهور اسلام و نزول قرآن می باشد و از این پس حضرت رسول (ص) و اهل بیت گرامش بهترین اسوه برای تربیت انسان ها معرفی شده اند. بعضی از این بزرگواران از مقام عصمت برخوردارند آنان که خداوند در وصفشان می فرماید:

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. (احزاب، ۳۳/۳۳)

خداوند اراده فرموده هر گونه پلیدی را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را از هرگونه آلاشی پاک و منزه گرداند. برخی دیگر هر چند تصریح بر مقام عصمت ایشان نشده است اما آن چنان تربیت یافته اند و چنان از چشمه سار عصمت سیراب گشته اند که به مقاماتی بسیار نزدیک به عصمت راه یافته اند و از این رو به عنوان الگوهای نمونه برای تربیت عالی انسان ها انتخاب شده اند.

تداوم نقش هدایتگری دین مبین اسلام ایجاب می ند که در همه عصرها و نسل ها، پاسخی مناسب به نیازهای بشر داده شود، از آنجا که الگو پذیری از مهمترین نیازهای بشر است، اسلام الگو هایی جاودانه ارائه داده تا همه انسان ها به آنها توجه کرده و درس بگیرند. این الگوها در درجه اول معصومین (ع) هستند که هر یک در مقطعی از زمان نقشی ابدی آفریده و به آن ممتاز گشته اند. هر چند ایفای این نقش، از لحاظ زمانی در برهه ای کوتاه انجام گرفته است اما به جهت اتصال به اراده الهی، تأثیری جاودان از خود بر جای نهاده است.

از این میان فاطمه زهراء (ع) که کوثر و مبارکه و منصوره است، هر چند عمر بسیار کوتاهی داشت (همچون کوثر که کوتاه ترین سوره قرآن است) اما تجلی خیر کثیر، برکت، نصر و پویایی است. حضرت زهرا (ع) نه تنها الگوی زنان که اسوه همه نیکان و پاکان تاریخ است. تاریخ شاهد مظلومیت حضرت و عدم شناخت وی از طرف معاصرین و متأخرین است. تا

آنجا که حضرت در بیان حق خویش به مطلبی بسیار روشن می پردازد. مطلبی روشن که به عمد و یا سهو مورد غفلت واقع شده است و می فرماید: «إعلموا أنى فاطمه» بدانید که من فاطمه ام.

این مهمترین وجه معرفی حضرتش است که خود مبنایی برای معرفی بقیه اهل کساء است که پدر فاطمه، همسر فاطمه و پسران فاطمه اند. این خطاب در خطبه فدکیه در کنار مضامین عالی دیگر، بیانگر مقام فاطمی در همه ابعاد انسانی است. هر چند تاریخ در معرفی این بانوی نمونه قاصر و مقصر است اما دقت و کنکاش در اسناد باقی مانده برای طالبین وصول لازم و برای اهل نظر کافی است. این نکات عبارتند از:

۱. وضعیت سیاسی اجتماعی عرب آن روز و سایر ملل و نحل و نوع رفتار آنها نسبت به زنان و مقایسه آن با آنچه قرآن و سنت درباره حقوق و حدود زنان معرفی کرده است. دقت در وضعیت فعلی زنان در دنیای امروز و فاصله آن با مبانی دین مقدس اسلام مکمل بحث خواهد بود.

۲. تعلق اراده الهی بر ادامه نسل پیامبر خاتم از طریق یک دختر، عطیه الهی کوثر

۳. نوع رفتار پیامبر (ص) و علی (ع) با فاطمه زهراء (س)

۴. توجه به القاب و اسماء مبارک ایشان: ام ایها (به جهت احترام و محبت بسیار پدر نسبت به دختر) فاطمه (بریده شده از پلیدی ها) زهراء (درخشنده و مخلوق از نور عظمت الهی) حصان (پارسا) حره (زن کریمه) محدثه و محدثه (آنکه در رحم با مادر سخن گوید و مورد خطاب فرشتگان الهی است) حانیه (مهربان نسبت به شوهر و فرزندان) بتول (پاک) طاهره، مطهره، زکیه، راضیه، مرضیه، عذراء، مبارکه، و بالاخره کوثر.

۵. رفتار فاطمه با پدر، همسر، فرزندان، خویشان، همسایگان، فقراء، سائلین، کارگزاران، زنان و مردان مهاجر و انصار و بالاخره همه شؤون رفتاری حضرت.

۶. مجموعه گفتارهای حضرت و به ویژه آنچه با عنوان خطبه در تاریخ حفظ و ضبط شده است.

یکی از ابعاد ناشناخته حضرت زهرا (س) ویژگی های علمی حضرت است. از این رو شناخت و تطبیق علوم با زوایای وجودی حضرت لازم می نماید. به این معنا که علوم بشری

قالب و ظرف وجود ایشان نیست. اما به جهت تطابق وجود معصومین بر قرآن مجید و احتواء این کتاب تدوینی بر همه امور و انطباق آن بر کتاب تکوین، حضرات معصومین (ع) نیز بر مجموعه معارف اشراف داشته و همه آنها را در بر دارند. خطبه فدکیه یکی از این آثار بر جای مانده است که حاوی قلیل رفیع علم و عرفان و مسئولیت و سازندگی است.

خدا شناسی در منظر فاطمی

حمد و ستایش پروردگاری را که نعم بی پایانش همه موجودات را فرا گرفته و به اشباح بی رنگ صحرای عدم، رنگ وجود بخشیده است.

خطبه فاطمی با حمد بی پایان الهی شروع می شود، همان گونه که سر آغاز کتاب منزل الهی چنین است: الحمد لله رب العالمین.

از شمارش نعم بی حد رحمانی فرماید: **وإن تعدوا نعمت الله لا تحصوها**. (ابراهیم، ۱۴/۳۴) گر چه توان شمارش نیست اما باید آن را به یاد آورد: **و اذکروا نعمة الله علیکم**.... (مانده، ۷/۵) پس باید به اولین آنها اشاره نمود که نعمت وجود است و دریدن پرده عدم (فطر)، که خدا فاطر آسمان ها و زمین است: **قل بل ربکم رب السموات و الأرض الذی فطرهن**. (انبیاء، ۵۶/۲۱)

سپاس خدا را که با الهامات خفیه، درس شکرگزاری به ما آموخت و ما را موظف بحمد و ثنای خود فرمود.

بار دیگر سپاس خدای را که «الحمد لله رب العالمین» همو که اولین معلم است: علم الانسان ما لم یعلم. (علق، ۵/۹۶)

درس شکر گزاری: **و اشکروا لی و لا تکفرون** (بقره، ۱۵۲/۲) دعوت مخلوق به شکر که طبیعی و عرفی است، اما شکر خالق از مخلوق چه معنایی می تواند داشته باشد جز تتمیم نعمت ها. پس ما را موظف به حمد خود ساخت، تا نعمت را به کمال رساند و بهانه ای برای اکرام به عبد مهیا گردد. که رحمت و فیض وجود، ذاتی حق است و مانع از طرف عبد و قابل. پس کافی است که پرده به کناری رفته و مانع بر طرف گردد تا باران رحمت الهی فرو ریزد و سراپای هستی را غرق در خود سازد.

خدایی را تقدیس می کنم که از هرکس بخشنده تر است، به همه نعمت وجود ارزانی

داشته، اما کیست که بتواند بخشایش او را بر شمارد، و کدام نیرو است که آغاز و انجام نعم وی را بداند.

تحمید، تقدیس را به دنبال دارد. آنگاه که کل حمد است (الحمد) تمام قداست هم هست که تمام رحمت و جود تحقق یافته است.

از دست و زبان که بر آید	کز عهده شکرش بدر آید
بنده همان به که ز تقصیر خویش	عذر بدرگاه خدا آورد
ور نه سزاوار خداوندیش	کس نتواند که بجای آورد

ملاک سعادت بشری در منظر فاطمی

انسان از آن زمان که پای بر خاک نهاد در جستجوی سعادت بر آمد. سقراط سعادت را دستیابی به خوشبختی اخروی دانست. افلاطون علم و دانش را وجه ممیز انسان و ملاک سعادت خواند. ارسطو ثنوری اعتدال را بنیاد نهاد. گروهی به ثروت، جمعی به قدرت، دسته ای به اختیار و فرقه ای به عاطفه استناد جستند و هر یک گم شده خویش را در چیزی یافتند.^۱

اما حضرت فاطمه زهراء (س) ملاک خوشبختی و سعادت را در چه وجهی از انسان می بیند؟ در اعتقادات و باورها و در عمل بر اساس آنها. از این رو کلام ایشان را در دو بخش مباحث کلامی و عمل به احکام دینی بر اساس باورهای اعتقادی می توان تحلیل نمود.

الف) مباحث کلامی:

۱. تحمل دین و امانت الهی: اصل دینداری

ای مردم! ای بندگان خدا شما محل اوامر و نواهی پروردگار هستید، شما حامل دین و وحی او می باشید. شما بر نفس و جان خود امان خداوند هستید، شما هستید که باید به دین خدا عمل نموده و به دیگران ابلاغ کنید و سرمشق دیگران باشید.

إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها و

حملها الإنسان إنه كان ظلوماً جهولاً. (احزاب، ۷۲/۳۳)

آسمان و زمین و کوه از پذیرش امانت الهی سر باز زده و طاقت تحمل آن را نیافتند. اما

انسان بار مسئولیت بر دوش گرفت :

آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه فال به نام من دیوانه زدند
انسان ها حامل دین و شریعت شدند تا در صورت عمل به آن، الگو و اسوه دیگران
گردند : کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف... (آل عمران، ۳/۱۱۰)
انسان کامل الگوی انسان های دیگر، و امت نمونه اسوه امت های دیگر است . امت
نمونه تنها عامل به دین نیست که مبلغ آن هم هست .

والعصر . إن الإنسان لفي خسر . إلا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و
تواصلوا بالصبر . (عصر، ۱۰۳/۳-۱)

مؤمنین هم خود اعمال نیک و شایسته را به جا آورند و هم به دیگران توصیه کنند تا بر
طبق موازین حق و پایداری عمل نمایند .

۲ . تدین به دین خاتم و ایمان به کتاب صامت و ولی ناطق : (اصل نبوت و امامت)

خداوند در میان شما، ضامن بر حقی قرار داد . و عهد و پیمانی به وسیله پیغمبر
خاتم بر شما فرستاد، و دو خلیفه و جانشین بر شما گماشته که آن کتاب صامت
خدا و ولی ناطق پروردگار است، آنها انوار ربوبی و مبین حلال و حرام احکام
آسمانی و هادی و راستگوی الهی هستند، انوار ارشاد و هدایت آنها پیوسته مشعشع
و پرتو افکن است و هر لحظه شما را به سوی حق و حقیقت می خوانند .

شریعت الهی پی در پی بر انسان ها وارد شد تا میثاق از یاد رفته را دوباره به آنها یادآوری

کند . ۲

وإذ أخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و أشهدهم علی أنفسهم ألتست بریکم
قالوا بلی شهدنا أن تقولوا یوم القیمه إنا كنا عن هذا غافلین . (اعراف، ۷/۱۷۲)

از بنی آدم عهد گرفته شد که به ربوبیت و وحدانیت الهی مقرو معترف باشد . آدمی بر
عهد خود ماند و هر گاه که گرفتار و مضطر شد به خدای روی کرد . اما آنگاه که به نعمتی
مبتلی گشت، عهد خود شکست و به شرک گرایید :

فإذا ركبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجیهم إلی البر إذا هم

یشركون . (عنکبوت، ۲۹/۶۵)

پیامبران یاد آور و مذکر عهد الهی شدند : فذکر إنما أنت مذکر . لست علیهم بمصیطر

پیامبران به مقتضای رشد و ظرفیت انسان‌ها آمدند، تا نوبت به خاتم و افضل ایشان رسید. همو که در عالم دنیا آخرین بوده و در عالم علم ربوبی اولین: کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین؛ همو که علت خلقت اولین و آخرین است «لو لاک لما خلقت الافلاک» همو که عقل کل است و محبوبترین مخلوق در نزد خدا. همو که به مرتبه: قاب قوسین أو أدنی (نجم، ۹/۵۳) دست یافت.

پس شریعت خاتم به دست او، به خلق رسید و چون چهره‌اش در نقاب خاک پنهان گشت مطمئن بود که دینش باقی خواهد ماند که راهکار بقاء دین در خود آن تعبیه شده بود. امامت به عنوان تکمیل دین و اتمام نعمت ابلاغ گشته بود:

یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و اللّٰه یعصمک من الناس. (مانده، ۶۷/۵)

چون ابلاغ امامت شد نعمت تکمیل شد:

الیوم یش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً. (مانده، ۳)

اسلام دین مورد رضایت شد که تنها دین، اسلام است: إن الدین عند اللّٰه الإسلام. (آل عمران، ۱۹/۳)

بشر به قابلیت پذیرش اسلام دست یافته و توفیق تشرف به آن و اتمام نعمت را پیدا می‌کند. شریعت حافظ عدالت می‌شود و عدالت ضامن بقای نوع انسان. ۳

پایداری شریعت به عواملی بستگی دارد. امامت و قرآن دو ضامن معتبر برای حفظ شریعتند: إنی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و عترتی.

زیرا بقاء دین مبین ضرورت وجود مجری و مفسر دین است. برای تعیین چنین مقامی دو راه عقلی پیشنهاد می‌شود. اول تعیین از جانب مردم و دوم انتخاب از جانب خدا. راه اول نه تنها از اختلاف نمی‌کاهد که خود عامل اختلاف است پس نص و تعیین الهی بهترین راه انتخاب است. ۴

۳. شناخت قرآن: (اصل لزوم التزام به تعالیم قرآنی)

این قرآن است که دل و دیدگان شما را منور و روشن ساخته است. سرائر قرآن، بر

همه شما منکشف، و ظواهر آن متجلی و آشکار است. ملل دیگر به داشتن قرآن بر شما غبطه می‌خورند و حسرت می‌برند، پیروی قرآن بشر را به رضای خدا سوق می‌دهد و استماع قرآن آدمی را به نجات و سعادت می‌رساند، به سبب قرآن، نشانه‌ها و آیات قدرت الهی درک می‌گردد، و واجب و حرام شریعت که موجب رستگاریست دریافت می‌شود. خداوند به سبب قرآن، محرمات را که موجب تخدیر و تنبیه می‌شود، تعلیم می‌دهد.

دلایل روشن و براهین آشکار، فضایل بی‌شمار و رخصت در اعمال، آزادی افکار و اجازه تحقیق، انبساط و وقوف بر احکام شریعت و همه آثار علمی، به وسیله قرآن تعلیم و آموخته می‌گردد.

قرآن شناسی و وقوف به جهات اعجاز قرآن از قرون اولیه اسلام مورد توجه اندیشه‌مندان قرار گرفته و آثار باقیه‌ای در این زمینه به قلم تحریر آراسته شده است. وجوه اعجاز قرآن متعدد است.

کتابی که «أحسن الحديث»، «بهار قلوب»، «شفاء قلبها»، «أنفع القصص»^۵ است. کتابی که امام سخن، حضرت علی بن ابی طالب (ع) در توصیف آن گفته است:

كتاب الله تبصروا به و تنطقون به و تسمعون به و ينطق بعضه ببعض و يشهد بعضه على بعض و لا تختلف في الله و لا يخالف بصاحبه عن الله.^۶

کتابی که در آن علم آینده و حدیث روزگاران گذشته است. شفاء دهنده دردها و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی است.^۷ نوری که خاموشی ندارد و چراغی که درخشندگی آن زوال نپذیرد.^۸

کتاب هدایت به بهترین روش زندگی، قرآن مبین^۹، فرقان^{۱۰}، نور و کتاب مبین^{۱۱} تیباناً لكل شیء^{۱۲}. (نحل، ۱۶۰/۸۹)

۴. ترک شرک: (اصل توحید)

ترک شرک را برای خلوص عبودیت قرار داده است.

حضرت زهرا (س) بعد از بیان فلسفه احکام الهی به اصل اول باز می‌گردد که ترک شرک و گرایش به توحید است. به این معنی که ضامن عملی انجام احکام، اعتقاد به توحید و ترک شرک است. اصلی که به خداشناسی منتهی می‌شود. خداشناسی آن چنان که در

منظر فاطمی ترسیم شده است .

ب) عمل به احکام دینی بر اساس باورهای اعتقادی و تبیین علل احکام الهی :
پروردگار، ایمان را برای شما باعث تطهیر و پاکیزگی از شرک و کفر و پلیدی قرار داد .

ایمان و عمل صالح، ملاک رهایی از خسران و زیان است . زیانی که در آن آدمی اصل سرمایه خود را از دست می دهد . برای برخورداری از سعادت و نجات از خسران ، باید ایمان داشت و عمل نیکو به جا آورد . ایمان، ریشه این درخت تناور است و عمل شایسته میوه و نتیجه آن است . پس حضرت ابتدا به لزوم تدین به ایمان اشاره دارند که باعث تطهیر از شرک و کفر و پلیدی است . ایمان اعتقاد به توحید در تمام مراتب آن است . توحید نظری و توحید عملی . خدا را به یگانگی شناختن و تنها برای او کار کردن . تنها او را پرستیدن و تنها از او استعانت جستن : ایاک نعبد و ایاک نستعین .
توحید در ذات و اعتقاد به احدیت الهی و بساطت حق و منز دانستن او از شائبه هر نوع ترکیب : قل هو الله أحد .

و توحید در مقام واحدیت به معنای منز دانستن حق از شریک و همتا : و لم یکن له کفواً أحد .

توحید صفاتی به معنای یگانه دانستن ذات با صفات و صفات با یکدیگر . و توحید افعالی به معنای اعتقاد به عدم استقلال موجودات ممکن در افعال و اعمال : و ما رمیت إذ رمیت و لکن الله رمی . (انفال، ۸/۱۷)

توحید، ابتدای راه سلوک و انتهای آن است : إنا لله و إنا إليه راجعون . (بقره، ۲/۱۵۶)
نقطه مقابل توحید شرک در تمام مراتب آن است و نتیجه شرک کفر و از این رو مشرک و کافر به یک معنا به کار برده شده است : قل یا ایها الکافرون ، لا أعبد ما تعبدون . (کافرون، ۱۰۹/۲-۱)

ایمان به توحید مانع از شرک و کفر و پلیدی است . زیرا نتیجه ایمان عمل صالح و میوه شرک و کفر ، پلیدی و اعمال ناشایسته است . ایمان نشانه ها و علاماتی دارد و عمل صالح ، قالب و فرمی دارد . برخی از نشانه های آن به شرح زیر عنوان شده است :

نماز، زکات، روزه، حج، اطاعت از اولی الامر، امامت اهل بیت، جهاد، صبر، امر به معروف، صلّه رحم، نیکی به والدین، قصاص، وفای به نذر، تمام پیمودن کیل و وزن، نهی از شرب خمر، اجتناب از قذف، ترک سرقت، ترک شرک و....

آشنایی با فلسفه احکام به معنای انجام بهتر آنها می باشد. انجام عبادت فلسفه ای عمومی دارد و آن اطاعت امر مولا است. از این رو قصد قربت در هر عمل عبادی شرط لازم است. اما علاوه بر این فلسفه عام، هر یک از عبادات ویژگی خاص دارد که زمینه شناخت آن در قرآن و آثار معصومین (ع) وارد شده است. حضرت به برخی از این آثار اشاره دارند.

۱. نماز:

نماز را برای تنزیه دل ها از کبر و نخوت قرار داد.

کبر و خود بزرگ بینی از بزرگترین آفات انسان و مانع از ورود در مسیر سعادت است. شیطان به این درد گرفتار شده و از درگاه الهی رانده شد: *إلا ابلیس أبی و استکبر*. (بقره/۳۴) او خلقت خود را از آتش می دانست و خمیر مایه آدم را از خاک، از این رو حاضر به سجده بر آدم نشد: *قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین*. (اعراف، ۱۲/۷)

او مقام علمی آدم را نشناخته و علت برتری او را در نیافت. پس بر خدا اعتراض کرده و در مقابل حق اسائه ادب نمود و خود را برای فریب فرزندان آدم محق خواند.

قال فیما أغویتنی لأفعدن لهم صراطک المستقیم (اعراف/۱۶) *قال رب بما أغویتنی لأزینن لهم فی الأرض و لأغوینهم أجمعین*. *إلا عبادک منهم المخلصین*. *قال هذا صراط علی مستقیم*. *إن عبادی لیس لک علیهم سلطان إلا من اتبعک من الغاوین*. (حجر، ۱۵/۳۹-۴۱) به او فرصت داده شد، غافل از آنکه از عهده مخلصین بر نخواهد آمد: *و لأغوینهم أجمعین إلا عبادک منهم المخلصین*. (حجر/۴۰)

پس برای رسیدن به مقام اخلاص، باید از کبر دوری جست و نماز بهترین وسیله برای رسیدن به این منظور است. نماز پیشانی بر خاک مالیدن و اظهار خضوع و خشوع در مقابل خالق هستی است. نماز اسرار و آداب بسیاری دارد که در کتب مفصل وارد شده است اما به طور خلاصه می توان گفت که نماز مخ عبادت است.

زیرا هر موجودی به تسبیح حق مشغول است: *و إن من شیء إلا یسبح بحمده و لکن*

تسبیح هر موجودی به اندازه سعه وجودی اوست .

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزل خوانی، قمری به ترانه بعضی از اشیاء همواره قائمند(مثل درختان) و برخی همواره ساجد و گروهی همیشه راکع . بعضی ساکتند و گروهی ناطق . انسان گل سر سبد و عصاره عالم خلقت است پس عبادت او نیز باید جامع و شامل همه انواع عبادات باشد . نماز حاوی تمام مناسک و وظایف فردی و اجتماعی است و مهمترین ثمره آن دوری از نخوت و کبر است . پس باید نماز را اقامه داشت و از سستی در آن پرهیز کرد که سستی در نماز مورد نکوهش الهی است . فویل للمصلین . الذین هم عن صلاتهم ساهون . (ماعون، ۱۰۷/۵-۴)

حضرت فاطمه زهراء (س) نتایج سستی در نماز را چنین بر می شمرد:

عنها(س) قالت : سألت ابي رسول الله (ص) لِمَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ . قال (ص) : مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ ابْتِلَاةُ اللَّهِ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصْلَةً : يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ عُمْرِهِ وَيَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ رِزْقِهِ وَيَمْحُو اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سِيَمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَكُلَّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُوجِزُ عَلَيْهِ وَلَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دَعَا الصَّالِحِينَ ، وَإِنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَيَمُوتُ جَائِعًا وَيَمُوتُ عَطْشَانًا ، فَلَوْ سَقَى مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَرَوْعَطْشُهُ وَيُوكَلِ اللَّهُ مَلَكًا يُزْعِجُهُ فِي قَبْرِهِ ، وَيُضَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ وَتَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ وَيُوكَلِ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يُسْحِبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَالْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ ، وَيَحَاسِبُ حِسَابًا شَدِيدًا وَلَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يُزَكِّيهِ وَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ . ۱۲

از پدرم رسول خدا(ص) درباره مردان و زنانی که در نمازشان سستی و سهل انگاری می کنند، پرسیدم . آن حضرت فرمودند : هر زن و مردی که در امر نماز سستی و سهل انگاری داشته باشد، خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می گرداند :

- ۱ . خداوند، برکت را از عمرش می گیرد .
- ۲ . برکت را از رزق و روزی اش می گیرد .
- ۳ . خداوند، سیمای صالحین را از چهره اش محو می کند .
- ۴ . هر کاری که بکند، بدون پاداش خواهد ماند .

۵. دعایش مستجاب نخواهد شد.
۶. برایش بهره‌ای از دعای صالحین نخواهد بود.
۷. ذلیل خواهد مرد.
۸. گرسنه جان خواهد داد.
۹. تشنه کام خواهد مرد به طوری که اگر با همه نهرهای دنیا آبش دهند، تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد.
۱۰. خداوند، فرشته‌ای را بر می‌گزیند تا او را در قبرش ناآرام سازد.
۱۱. قبرش را تنگ گرداند.
۱۲. قبرش تاریک باشد.
۱۳. خداوند فرشته‌ای را بر می‌گزیند تا او را به صورت به زمین کشد، در حالی که خلایق به او بنگرند.
۱۴. به سختی مورد محاسبه قرار گیرد.
۱۵. و خداوند به او ننگد و او را پاکیزه نگرداند، و او را غذایی دردناک باشد.

۲. زکات:

زکات را برای تزکیه نفس و مال و جان و افزونی روزی مقرر فرمود. به همان اندازه که نماز، عملی فردی و انجام وظیفه در مقابل خداست، زکات انجام مسئولیتی اجتماعی است و به همان میزان که نماز از جنبه‌های اجتماعی بر خوردار است، زکات در سازندگی روحی انسان موثر است. از این رو نماز و زکات همواره در کنار هم قرار گرفته‌اند.

بسم الله الرحمن الرحيم . الم . ذلک الكتاب لا ريب فيه هدی للمتقين . الذین يؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون . (بقره، ۱/۲-۳)

قرآنی که شکی در آن نیست، هدایتگر تقوی پیشگان در مسیر سعادت است. ایمان به غیب و اقامه نماز و پرداخت زکات از علامات این گروه است.

لذا اطاعت از کسانی واجب است که زکات و نماز برای آنها به صورت عملی واحد در آمده است و آن در شخصیت امام علی (ع) تجلی و نمود یافته است:

إنما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون .

فلسفه زکات پاکی مال و جان است و زکات مایه افزونی مال است. هر چند که دنیا طلبان می‌انگارند که پرداخت زکات مایه کم شدن مال است، اما در واقع این پرداختی است که افزایش به دنبال دارد. همچون باغداری که شاخه‌های درخت را هرس می‌کند تا بار بیشتری برای آن به همراه آورد و یا چمن زنی که با زدن سر چمن‌ها زمینه رشد روز افزون آن را فراهم می‌آورد.

آن کس که به زکات با این دید نگاه می‌کند آن را نه فقط مایه افزایش مال که عامل تزکیه نفس و جان می‌داند.

ولو أن أهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والأرض.... (اعراف، ۹۶/۷)
 زکات بخشش و پرهیز از بخل است از این رو حضرت (ع) در این باره می‌فرماید:

عنها (س) قالت: قال لي رسول الله (ص): اياك والبخل، فانها عاهة لا تكون في كريم. اياك والبخل فانه شجرة في النار و اغصانها في الدنيا فمن تعلق بغصن من اغصانها ادخله النار. ۱۳

حضرت فاطمه (س) به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمود: از بخل ورزیدن پرهیز، زیرا که بخل آفتی است که درشخص بزرگوار نیست. از بخل پرهیز، زیرا که آن درختی است در آتش دوزخ که شاخه‌هایش در دنیا است و هر که به شاخه‌ای از شاخه‌هایش در آویزد داخل جهنمش گرداند.

عنها (س) قالت: قال لي رسول الله (ص) وَعَلَيْكَ بِالسَّخَاءِ فَإِنَّ السَّخَاءَ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ، أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّيةٌ إِلَى الْأَرْضِ، فَمَنْ أَخَذَ مِنْهَا غُصْنًا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ. ۱۴

حضرت فاطمه (س) فرمود پیامبر اکرم (ص) به من گفت: بر تو باد سخاوت ورزیدن، زیرا که سخاوت درختی از درختان بهشت است که شاخه‌هایش به زمین آویخته است، هر که شاخه‌ای از آن را بگیرد او را به سوی بهشت می‌کشاند.

اتصاف به جود و پرهیز از بخل تنها در سابه اعتقاد به روزی بخشی خدا تحقق می‌یابد پس باید خود را در معرض آن قرار داد. از این رو حضرت زهرا (س) فرمود:

رسول خدا (ص) بر من گذشت، در حالی که در خواب صبحگاهی بودم، مرا با

پایش تکان داد و فرمود: دخترم برخیز، شاهد رزق و روزی پروردگارت باش و از غافلان مباش. زیرا که خداوند روزی مردم را بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می کند. ۱۵

۳. روزه:

روزه را برای اثبات تحقق در اخلاص قرار داد.

اخلاص در عمل شرط قبولی آن است زیرا میزان و ترازوی سنجش اعمال در روز قیامت، بر حق بودن آن است: **و الوزن يومئذ الحق**. (اعراف، ۸/۷)
در حالی که «ریا» عمل را تباه می کند و از ارزش می اندازد: **وقدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا**. (فرقان، ۲۳/۲۵)

همه اعمال عبادی باید از روی اخلاص صورت گیرد تا ارزش وجودی داشته باشد. در این میان روزه اهمیتی خاص می یابد زیرا تنها جنبه امساک داشته و تظاهر بیرونی آن کمتر از دیگر اعمال عبادی است. از این رو یکی از حکمت های روزه اثبات تحقق اخلاص است و در همه ادیان الهی از جایگاه خاصی برخوردار است:

یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون.

(بقره/۱۸۳)

روزه بر شما واجب شد همان گونه که بر امت های پیش از شما واجب بود باشد که تقوی پیشه سازید. روزه بهترین زمینه برای تقویت تقوی را فراهم می آورد. به این معنی که هر روزه داری لزوماً متقی نیست، اما امکان آن را بیشتر دارد. پس روزه شرط لازم برای تلبس به لباس زیبای تقوی است هر چند شرط کافی نمی باشد.

اخلاص شرط عمل است و حضرت فاطمه الزهراء (س) جهت تأکید بر آن می فرماید:

مَنْ أَسْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ. ۱۶

هر که عبادت خالصش را به سوی خدا بالا فرستد، خدای متعال برترین مصلحتش را به سوی او پایین فرستد.

مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامٍ إِذَا لَمْ يَصْنُ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ. ۱۷

و فرمود: روزه دار چون زبانش، گوشش، چشمش و اعضایش را (از حرام) نگه ندارد، روزه دار نیست.

۴. حج :

حج را برای تحکیم مبانی دینی و اعتلا و تعظیم کلمه توحید، قرار داد.

از دیگر فروع دینی انجام مناسک حج است. فلسفه حج از دیر باز مورد توجه محققین قرار گرفته و آثار زیادی در این زمینه نگارش یافته است. بر هر مسلمان متمکنی لازم است که حداقل یک بار در طول عمر خود به انجام این مراسم عبادی بپردازد:

و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا . (آل عمران، ۹۷/۳)

این اعمال که هر سال در زمان معین: الحج اشهر معلومات . (بقره/۱۹۷) و مکان خاص (مکه): والمسجد الحرام الذى جعلناه للناس سواء العاكف فيه والباد... (حج، ۲۵/۲۲) انجام می گیرد، نشانی از عظمت اسلام و اعتلای شعائر دینی است.

ذلك و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب . و لكل امة جعلنا منسكاً ليزكروا اسم الله... فالحكم اله واحد.... (حج/۳۲ و ۳۴)

حج سمبل توحید است همانگونه که حضرت ابراهیم (ع) نشان توحید و اطاعت محض از فرامین خدا بود،^{۱۸} حج میراث ابراهیمی است.

و إذ بوأنا لآبراهيم مكان البيت أن لا تشرك بي شيئاً و طهر بيتى للطائفين و القائمين و الركع السجود . (حج/۲۶)

این مناسک توسط پیامبر اسلام احیاء شده و عظمت کلمه توحید را با توحید کلمه به نمایش می گذارد: ليشهدوا منافع لهم و يذكروا اسم الله فى ايام معلومات.... (حج/۲۸)

۵. عدل :

و عدل را برای ارتباط و تألیف قلوب قرار داد.

اعتقاد به عدل الهی از اعتقادات شیعی و برخی از فرق اهل سنت است که از قرآن و روایات گرفته شده است. اعتقاد به عدل الهی زمینه ساز تعهد به عدالت اجتماعی است. از این رو در طول تاریخ این دو با هم همراه بوده و نفی هر یک به معنای انکار دیگری دانسته شده است عدل اجتماعی و رعایت حدود و حقوق قانونی افراد، موجب ایجاد ارتباط صحیح میان افراد و در نتیجه تألیف قلوب است. بر خلاف ظلم، که بر هم زننده جامعه و روابط سالم اجتماعی است:

إن الله يأمر بالعدل و الإحسان.... (نحل، ۹۰/۱۶)

و أمرت لأعدل بينكم . (شوری، ۱۵/۴۲)

فلا تتبعوا الهوى أن تعدلوا . (نساء، ۱۳۵/۴)

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنتان قوم علی ألا تعدلوا إعدلوا هو أقرب للتقوی و اتقوا الله إن الله خبیر بما تعملون . (مائده، ۸/۵)

و إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل . (نساء/۵۸)

یحکم به ذوا عدل منکم . (مائده/۹۵)

... و إذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذا قریبی . (انعام، ۱۵۲/۶)

... و لیکتب بینکم كاتب بالعدل . (بقره/۲۸۲)

إن الله لا یظلم مثقال ذرة... (نساء/۴۰)

إن الله لا یظلم الناس شیئاً و لكن الناس أنفسهم یظلمون . (یونس، ۴۴/۱۰)

فما کان الله لیظلمهم و لكن کانوا أنفسهم یظلمون . (توبه، ۷۰/۹)

و نضع الموازین القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئاً . (انبیاء، ۴۷/۲۱)

عدل اعتقاد به وجود میزان و معیار سنجش اعمال است، و در عمل موجب گردد که اعمال بر اساس موازین آن انجام گیرد. از این رو عدل را از مستقلات عقلیه دانسته اند. به این معنی که شارع تأیید کننده و تضمین کننده آن است و نه ایجاد کننده آن. این اعتقاد به عدل، در اصطلاح متکلمین از نتایج بحث از «حسن و قبح ذاتی یا عقلی» دانسته می شود که توابع بسیار به دنبال دارد.

۶. اطاعت از اولی الامر:

اطاعت ما خاندان را برای حسن انتظام امور اجتماعی و امامت ما اهل بیت را برای ایمنی و امان از اختلاف و تفرقه و لغزش قرار داد.

أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الامر منکم . (نساء، ۵۹/۴)

لزوم تبعیت از خدا و رسول و اهل بیت در مباحث کلامی به تشریح بیان شده و دلایل متقن بر آن اقامه شده است. نص و تصریح بر امامت بهترین راه تداوم نبوت خاتم است. ۱۹

حکماء برای اثبات امامت به همان دلیلی اشاره کردند که در لزوم نبوت ارائه داشته اند و آن حفظ نظام اجتماعی است. ۲۰

از این رو اجر نبوت، مودت ذی القربی دانسته شده است.

قل لا أسئلكم عليه أجرأ إلا المودة فی القربی . (شوری، ۲۳/۴۲)

فایده آن هم جز برای خود مردم نیست. زیرا این مودت موجب اهتداء به طریق هدایت است.

عن فاطمه الزهراء (س) قالت: قال لی رسول الله (ص) یا فاطمه من صلتی علیک

عقر الله له و الحقة بی حیث كنت من الجنة . ۲۱

دختر گرامی پیامبر فرمود: رسول خدا (ص) به من گفت: ای فاطمه هر که بر تو

صلوات فرستد، خداوند او را بیامرزد و در هر جای بهشت که باشم او را به من

ملحق گرداند.

عنها (س) قالت: قال رسول الله (ص): آیما رجل صنع الی رجل من ولدی صنیعة

فلَمْ یکافئه علیها، فانا المکا فی له علیها . ۲۲

حضرت زهرا به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کسی برای فردی از فرزندان من

کاری انجام دهد و بر آن کار پاداشی نگیرد، من پاداش دهنده او خواهم بود.

عنها (س) قالت: ان ابي (ص) نظر الی علی (ع) و قال: هذا و شیعتة فی الجنة . ۲۳

پیامبر خدا (ص) به علی (ع) نگریست و فرمود: این شخص و پیروانش در بهشت اند.

عنها (س) قالت: قال لی ابي: من سلم علی و علیک ثلاثة ايام فله الجنة . ۲۴

پدرم به من فرمود: هر که بر من و تو تا سه روز تحیت و سلام بفرستد، بهشت بر

او واجب گردد.

۷. جهاد:

جهاد را برای عزت و ارجمندی و سربلندی ملت اسلام قرار داد.

از دیگر فروع دین جهاد در راه خداست. جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند

آن را برای بندگان خاص خود گشوده است. جهاد موجب سرافرازی و عزت و افتخار

مسلمانان است. خداوند عزیز است: فإن العزة لله جمیعاً . (نساء، ۱۳۹/۴) إن العزة لله

جمیعاً . (یونس، ۶۵/۱۰)

خدا به هر کس که خواهد عزت بخشد: و تعز من تشاء و تذلل من تشاء . (آل عمران، ۲۶/۳)

خدا برای مؤمن مذلت قرار نداده است: و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین و لكن

المنافقین لا یعلمون . (منافقون، ۸/۶۳)

خداوند راضی به سلطه کفار بر مومنین نیست و از این رو راهی برای آن قرار نداده است
و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً. (نساء/۱۴۱)
برای اجرای این برنامه، باید همه راه‌های سلطه کفار بسته شود و جهاد بهترین طریق
حفظ عزت مومنین است. از این رو جهاد بر مسلمانان واجب شده است.

جهاد ابتدایی که در زمان حضور پیامبر و امام و به اذن ایشان است و جهاد تدافعی که
بر آحاد جامعه مسلمین واجب بوده و نیاز به اذن ندارد.

داستان جنگ‌های زمان پیامبر (ص) در جهت تنزیل قرآن و جنگ‌های دوران امامت
امام علی (ع) در جهت تأویل قرآن، بخش عمده‌ای از مباحث تاریخ اسلام را پوشش
می‌دهد. نتیجه این تلاش گسترش اسلام و تثبیت آن و در نتیجه عزت و اقتدار مسلمین و
تشکیل مدینه النبی بود.

از این رو جهادگران مورد عنایت الهی واقع شده و برای آنان اجر عظیم قرار داده شده
است. به گونه‌ای که کارهای مهمی چون سقایه الحاج و تعمیر مسجد الحرام در مقایسه با
جهاد امری سهل می‌نماید: أجمعتم سقاية الحاج و عمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله و
اليوم الآخر و جاهد في سبيل الله.... (توبه، ۱۹/۹)

مجاهدین مشمول رحمت خاص خدا هستند: و الذين هاجروا و جاهدوا في سبيل الله
اولئك يرحمهم الله. (بقره/۲۱۸) اینان از درجه رفیعی در نزد پروردگار برخوردارند: الذين
آمنوا و هاجروا و جاهدوا في سبيل الله بأموالهم و أنفسهم أعظم درجة عند الله. (توبه/۲۰)
اینان هدایت شدگان به راه خدایند: و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا. (عنکبوت، ۶۹/۲۹)

۸. صبر:

صبر را برای استحقاق اجر قرار داده است.

صبر از دستورات اخلاقی و عرفان دینی است که برای دین به منزله سر برای بدن
خواننده شده است. در متون اخلاق اسلامی در باب صبر، اقسام و فواید آن مضامین بلندی
به رشته تحریر در آمده است. صبر در مصیبت، صبر بر مصیبت و صبر در عبادت از
مهمترین این اقسام است.

حضرت زهرا (س) استحقاق اجر را ثمره صبر می‌داند. زیرا آدمی هیچ حقی بر خدا
ندارد اما صبر بر کاستی‌ها، موجب استحقاق گردد. از این رو فرمان به صبر داده شده

است: فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل. (احقاف، ۳۵/۴۶)

صبر پیامدها و نتایجی را به دنبال دارد از جمله: انجام عمل صالح، طلب رضایت الهی و اقامه نماز، توکل بر پروردگار، رستگاری، هدایت به امر الهی و... ۲۵
از این رو فایده صبر عاید خود انسان است: و أن تصبروا خیر لكم. (نساء، ۲۵/۴) هر چند به نظر مشکل آید: فإن ذلك من عزم الامور. (آل عمران، ۱۸۶/۳)

استعانت به صبر و صلوة از فرمایشات قرآنی و بیانگر اهمیت صبر است. و استعینوا بالصبر و الصلوة. (بقره، ۴۵/۲)

۹. امر به معروف:

امر به معروف را برای مصالح عامه مردم قرار داد.

یکی دیگر از واجبات دینی انجام امر به معروف و نهی از منکر است. علت وجوب آن حفظ مصالح عمومی است. خاتمیت و عدم تحریف در دین اسلام به جهات متعددی می باشد، یکی از این جهات تعبیه اصول و فروعی در بدنه این دین مبین است. امامت از اصولی است که برای حفظ دین در نظر گرفته شده است و امر به معروف و نهی از منکر از فروع آن است.

انجام این واجب الهی در ردیف ایمان به خدا، اقامه نماز و حفظ حدود الهی است. ۲۶
علت برتری امت مسلمان بر امم دیگر در گرو انجام این فریضة الهی است: کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله... (آل عمران، ۱۱۰/۳)
امر به معروف و نهی از منکر شرائط و مراتبی دارد که در کتب فقهی و اخلاقی و عرفانی به آن پرداخته شده است. همچنین این مسئله از اصول معتزله و فروع مذهب تشیع می باشد که به تفصیل در کتب کلامی مورد بحث واقع شده است.

۱۰. نیکی به والدین:

نیکی به والدین را برای مصونیت از غضب خود قرار داد.

نیکی به پدر و مادر از اصول اخلاقی اسلام است که در قرآن کریم بدان سفارش زیادی شده است. نیکی به فرزند از جمله فطریات بشری است. از این رو ایشان به اصل احسان نسبت به فرزندان سفارش نشده اند بلکه مصادیق احسان گوشزد شده است. مبادا که در اثر عدم تشخیص این مصالح، ناخواسته موجبات زیان نسبت به فرزندان را فراهم

آورند. برای عدم دل بستگی به فرزندان هشدار داده شده است: **لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شیئاً** (آل عمران/۱۰) **فلا تعجبک أموالهم ولا اولادهم**. (توبه، ۹/۵۵)

اما در مورد پدر و مادر و نیکی نسبت به ایشان سفارشات مؤکدی شده است. مبادا فرزندان دچار فراموشی شده و حق والدین خود را اداء نکنند. احسان به ایشان پس از عبادت الهی قرار داده شده است: **لا تعبدون إلا الله و بالوالدین إحساناً** (بقره/۸۳) **و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین إحساناً** (نساء، ۴/۳۶) **ألا تشركوا به شیئاً و بالوالدین إحساناً** (انعام، ۶/۱۵۱) **و قزی ربک ألا تعبدوا إلا یاه و بالوالدین إحساناً**. (اسراء، ۱۷/۲۳)

آدمی باید سپاسگزار محبت های پدر و مادر خویش باشد همانگونه که شکر گزار نعم الهی است: **أن اشکر لی و لوالدیک الی المصیر**. (لقمان، ۱۴/۳۱) انسان به نیکی نسبت به والدین سفارش شده است: **و وصینا الإنسان بوالدیه إحساناً**. (احقاف، ۴۶/۱۵)

از مصادیق احسان طلب مغفرت برای ایشان است: **ربنا اغفر لی و لوالدی**. (ابراهیم، ۱۴/۴۱) علت این همه سفارش چیست؟ حضرت امان از غضب الهی را نتیجه نیکی به والدین می داند. شاید بدان لحاظ که هر مجازی نشان از حقیقتی است پس آنکس که بتواند خود را از غضب والدینش برهاند از غضب الهی نیز رهیده است و آنکه قدر زحمات پدر و مادرش را بشناسد حتماً قدر نعم الهی را هم می داند.

۱۱. صله رحم:

صله رحم را برای پیوستگی ارحام و اقارب و وحدت ملی قرار داده است.

یکی دیگر از سفارشات اخلاقی در اسلام پیوستن با خویشان است: **و الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل**. (رعد، ۱۳/۲۱)

حضرت دایره رحم را آن چنان گسترده می داند که ثمره صله رحم را وحدت ملی می خواند. یعنی انسانی که از دایره خود خواهی های شخصی گذشته، به خانواده می پیوندد و آنکه از دایره خانواده گذشته و به شهر و کشور و امت پیوسته است حافظ منافع عمومی و وحدت ملی است. و منافع خود را در راه حفظ مصالح جامعه فدا می کند.

۱۲. قصاص:

قصاص را برای حفظ خون های مردم قرار داده است.

قصاص از احکام فقهی اسلام است. از دیدگاه قرآنی فایده قصاص، حفظ حیات

اجتماعی است: و لكم فى القصاص حيوۃ يا أولى الاباب لعلكم تتقون (بقره، ۱۷۹/۲) خطاب آیه به صاحبان خرد است. به این معنی که در نگاه اولیه، قصاص نوعی بی رحمی تلقی می شود اما اگر به فایده آن اندیشه شود به خوبی فهمیده می شود که حفظ حیات اجتماعی به مراتب مهمتر از حیات فردی است. پس مجازات گناهکار برای حفظ خون های مردم، امری لازم است.

نکته دیگر آنکه این امر موجب تقوی است. همان گونه که روزه واجب شده باشد که تقوی پیشه سازیم، قصاص نیز به همین هدف واجب شده است. هر چند از نظر صوری تفاوت بسیاری میان قصاص و روزه است، ولی در واقع هر دو به یک منظور تشریح شده است. البته توصیه اخلاقی در کنار این حکم فقهی وارد شده که به لطافت آن می افزاید: یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص... فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه باحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمة فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم. (بقره، ۱۷۸/۲)

۱۳. وفای به نذر:

وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و نیل به آمرزش قرار داده است. یکی دیگر از سفارشات مؤکد قرآنی که ضامن دستیابی به سعادت است وفای به نذر است. وفا و استیفاء به معنی تمام نمودن و پر کردن است. از اقسام وفا، وفای به عهد است که یکی از نمونه های آن وفای به نذر است به معنی ادای عهدی که با خدا بسته ایم. از نظر حضرت فاطمه زهراء (ع) فایده وفای نذر دستیابی به آمرزش الهی است. زیرا جزای وفای به عهد انسان در مقابل خدا، وفای خدا به عهد خود برای انسان است که همان آمرزش و مغفرت الهی است: وما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّٰه یوف إلیکم. (انفال، ۶۰/۸)

۱۴. تمام پیمودن کیل و وزن:

تمام پیمودن کیل و وزن را برای اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان قرار داده است. تمام نمودن کیل به معنی صحت معاملات اقتصادی، موجب ایجاد اعتماد میان عرضه کننده و متقاضی خدمت است. این اعتماد باعث شکوفایی اقتصادی و سلامت روانی جامعه است. از این رو در اسلام برآن تأکید زیادی شده است: و أوفوا بالکیل إذا کلتم و وزنوا بالقسطاس المستقیم. (اسراء، ۳۵/۱۷)

یکی دیگر از معضلات اجتماعی آن است که افراد کم فروشی یا گران فروشی، طالب عدالت و برخورد صادقانه دیگران هستند. قرآن به این خصیصه اشاره داشته و اینان را مطفف می نامد و وعید و پل را برای ایشان متذکر می گردد. زیرا اینان به بدی عمل وافقند و خلاف اقرار فطری و عملی خود عمل می کنند. پس حال ایشان بدتر از کسانی است که بدی عمل را نمی شناسند: **وَبَلِّغْ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ. وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ.** (مطففین، ۸۳/۱-۴)

این عمل به نوعی به انکار معاد می انجامد. از این رو مورد توجه خاص قرار گرفته شده است.

۱۵. نهی از شرب خمر:

نهی از شرب خمر را برای دوری از رجس و پلیدی قرار داده است. شرب خمر از محرماتی است که مورد مذمت بسیار قرار گرفته است. شاید به آن دلیل که سایر پلیدی هارا به دنبال خود دارد. پس پرهیز از آن به معنای دوری از رجس و پلیدی است: **إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...** (مائده، ۹۱/۵)

پس شیطان توجیه کننده استفاده از این منهیات است تا بدان وسیله ایجاد دشمنی و پلیدی کند. قرآن در پاسخ به این توجیه شیطنت آمیز می فرماید: **يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا.** (بقره، ۲/۲۱۹) از تو درباره خمر و قمار سؤال کنند در پاسخ بگو در آنها گناهی بزرگ است. البته منافعی هم دارد اما گناه آنها به مراتب بیشتر از نفع آنهاست.

۱۶. اجتناب از قذف:

اجتناب از قذف را برای مصونیت از لعنت قرار داده است. یکی دیگر از منهیات الهی قذف و تهمت زدن به دیگران است. زیرا بردن آبروی مردم کاری سهل و آسان به نظر می رسد هر چند که اثبات نشود. اما آبروی ریخته شده دیگر بر نمی گردد. از این رو در اسلام بر نهی از آن تأکید شده و برای قذف مجازاتی سنگین گذاشته شده تا افراد به خود اجازه ندهند که بدون مدرک و دلیل با حیثیت مردم بازی کنند. قذف لعنت خدا و بندگان خدا را به دنبال دارد پس برای مصونیت از لعنت باید از قذف دوری جست.

۱۷. ترک سرقت :

ترک سرقت و دزدی را برای حصول عفت و امنیت اجتماعی قرار داده است . سرقت از مفاسد اجتماعی شایع در اکثر جوامع است . قرآن کریم برای ایجاد امنیت اجتماعی احکام خاصی را وضع نموده است . از اینرو ترک سرقت از ابتدای اسلام مورد توجه قرار گرفته و در کنار ترک شرک ، از شرائط عقد بیعت رضوان شمرده شده است : بیایعنک علی أن لا یشرکن بالله شیئاً و لا یسرقن . (ممتحنه ، ۱۲/۶۰) این آیه بیانگر آن است که سرقت نه فقط در میان مردان که در بین زنان نیز شایع بود و از این رو زنان در بیعت با پیامبر گرامی اسلام (ص) بر ترک شرک و سرقت پیمان بستند . اسلام برای جلوگیری از این معضل اجتماعی راهکار عملی ارائه می دهد و آن قطع انگشتان دزد است . چه مرد و چه زن فرقی نمی کند : و السارق و السارقة فاقطعوا أیدیهما جزا بما کسبا (مائده ، ۳۸/۵)

نتیجه

آنچه مقاله در صدد تبیین آن است :

توجه به اصل الگو پذیری و وجود اسوه های عملی برای انسان .

توجه به تطابق میان اعتقادات و اعمال .

توجه به فلسفه احکام از دیدگاه قرآن و بیانات حضرت فاطمه زهراء (س)

۱. ر. ک: چهار سفر تا ظهور انسان کامل در آئینه جمال زن، فرشته ندی ایبانه ۱۳۸۰.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱.
۳. ر. ک: الاشارات و التنبیها، نمط العارفين، بو علی سینا.
۴. ر. ک: شفاء، الهیات، بو علی سینا، مبحث وجوب خلیفه و امام.
۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.
۶. همان، خطبه ۱۳۳.
۷. همان، خطبه ۱۵۸.
۸. همان، خطبه ۱۹۸.
۹. سورة حجر، آیه ۱.
۱۰. سورة آل عمران، آیه ۴ و آیات دیگر.
۱۱. سورة آل عمران، آیه ۱۵.
۱۲. فاطمة الزهراء بهجة قلب مصطفى، ۱/ ۲۳۵.
۱۳. همان/ ۲۶۶.
۱۴. همان.
۱۵. مسند فاطمة الزهراء/ ۲۱۵.
۱۶. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ۱/ ۲۶۵.
۱۷. همان/ ۳۰۵.
۱۸. سورة ممتحنه، آیه ۴ ملاحظه شود.
۱۹. ر. ک: شفاء، الهیات، تعیین امام.
۲۰. ر. ک: الاشارات و التنبیها، نمط العارفين.
۲۱. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ۱/ ۲۸۷.
۲۲. بحار الانوار، ۹۶/ ۲۲۵.
۲۳. احقاق الحق، ۷/ ۳۰۸.
۲۴. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ۱/ ۲۶۷.
۲۵. ر. ک: سورة هود، آیه ۱۱، سورة رعد، آیه ۲۲، سورة نحل، آیه ۴۴، سورة مؤمنون، آیه ۱۱۱ و سورة سجده، آیه ۲۴.
۲۶. ر. ک: سورة آل عمران، آیه ۱۱۰، سورة توبه، آیه ۷۱ و ۱۱۲.